

ضرورت مقابله با جریان‌های تکفیری جهت تحقق وحدت امت

ضرورت مقابله با جریان‌های تکفیری جهت تحقق وحدت امت

دکتر محمد حسین مختاری

ریس پژوهشگاه مطالعات تقریبی

چکیده

جهان اسلام امروز درگیر فتنه‌ای است که منشاء آن جریان‌های تکفیری است که نه با شیعه سر سازش دارد و نه اهل سنت را برمی‌تابد .

این جریان وابسته به غرب با قرائتی خودساخته از آموزه‌های اسلامی سعی در تخریب هر چه بیشتر اسلام در نگاه جهانیان دارد و برای رسیدن به این هدف از هیچ جنایتی واهمه ندارد.

لذا این مقاله در پی بررسی چرایی ضرورت مقابله با گروه‌های تکفیری در راستای تحقق وحدت امت است که با بررسی‌های انجام شده، لزوم نفی اسلام‌هراسی و ضرورت تبیین اسلام اصیل در جوامع بشری، به عنوان مهمترین اصل در مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری مورد توجه قرار گرفته است.

هم‌چنین ضرورت امنیت زایی برای جهان اسلامی و دیگر جوامع بشری، در حالی که گروه‌های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشورها را متزلزل ساخته و ثبات و آرامش یک خانواده مسلمان را به هم ریخته است بیش از پیش احساس می‌شود.

بی تردید تجمیع و تحقق مولفه های مذکور و تلفیق مقابله علمی و نظری و نظامی با هدف سرکوب کامل گروه های تکفیری، توطئه های آمریکا و متحدانش به ویژه عربستان، در ترسیم نظام دو قطبی در جهان اسلام منلاشی خواهد کرد.

کلیدواژگان: مقابله با جریانات تکفیری؛ اسلام هراسی، امنیت، فضای دو قطبی؛ اتحاد امت اسلامی

مقدمه

پدیده شوم تکفیر از جمله چالش های مهم در جهان اسلام است که از زمان امیر المومنین (ع) و از سوی خوارج آغاز و به جریانهای تکفیری عصر ما رسیده است.

اینچنین است که گروه های تکفیری جهان اسلام را که بیش از هر زمان دیگری به اتحاد و انسجام نیاز دارد با چالش های متعدد مواجه کرده و همچون اسلاف خود، به جای مبارزه با دشمنان قسم خورده ای اسلام، بذر تکفیر را در جهان اسلام مد پراکنند و قوای مسلمین را تحلیل مد ببرند.

از این رو جریان های تکفیری خطرناک ترین پدیده های اند که امت اسلام به خود دیده است. پدیده تکفیر با ایجاد فتنه در میان امت اسلامی، چالش های عظیم سیاسی، اجتماعی اقتصادی، فرهنگی منبعت از عملکرد این گروه های تروریستی، مقول صلح، وحدت، امنیت و پیشرفت را به شدت تهدید کرده است.

ظهور گروه های وحشت و ارهاب؛ همچون داعش، جبهه النصره، القاعده، سپاه صحابه، جند ا، طالبان، جیش العدل، و... که وحشت و ترور را سرلوحه کار خود قرار داده اند، تبعات بسیار ناگوار در ایجاد خدشه علیه جهان اسلام و مسلمانان در سراسر جهان و ترویج اسلام هراسی به همراه داشته است.

حال با توجه به رخن روز افزون گروه های تکفیری در ممالک اسلامی، بر همه مسلمانان لازم است راه های مقابله با آن را در پیش گرفته و در راستای تحقق وحدت امت اسلامی، این جریانات و گروه ها را ریشه کن نمایند که در این راستا بالا بردن سطح آگاهی مسلمانان، ترویج تفکر وحدت، توسط علما در بین اقشار مردم و نیز مقابله سخت افزاری و نظامی در جهت نابودی کامل این گروه های تروریستی تکفیری مد تواند تأثیر زیادی داشته باشد.

پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی در 1925، خلافت به عنوان مهمترین دغدغه مسلمانان اهل سنت مطرح شد، به نحوی که تعدادی از متفکران اهل سنت مصری، راهکار اصلی برای برون رفت از این وضعیت اسفناک را، بازگشت به سلف می‌دانستند.

لذا بازگشت به سلف نخستین بار در مصر طنین انداز شد، اما وهابیان از این شعار سوء استفاده کردند و خود را سلفی نامیدند و افکار ابن تیمیه را به عنوان افکار سلف ترویج کردند؛ و این چنین عده‌ای از دردمندان مسلمان به دام افکار ابن تیمیه افتادند و خشونت و تکفیر برگرفته از افکار ابن تیمیه را تبلیغ کردند.^[1]

در این راستا گروه‌های تکفیری برای احیای خلافت اسلامی یا دست کم، تأسیس حکومت اسلامی به فتوای ابن تیمیه تمسک کرده،^[2] گاه با حکم جهاد، تکفیر را در جهان اسلام نهادینه می‌کردند.^[3]

از این رو به جرأت می‌توان مدعی شد همه جریان‌های تکفیری از متن گرایش‌های فکری سلفیه بیرون آمده‌اند و همه سلفیان تحت تأثیر ابن تیمیه‌اند که تجلی جنایات گروه‌های تکفیری را می‌توان در افکار و اندیشه‌های ابن تیمیه مشاهده کرد، به نحوی که وی در آثار خود 917 بار از لفظ «کافر»، 892 بار از لفظ «یقتل»، 829 بار از لفظ «مرتد»، 219 بار از لفظ «یستتاب»، 97 بار از لفظ «حلال الدم» و 97 بار از لفظ «وجب توبته و الا قتل» استفاده کرده است.^[4]

وی هم چنین با حرام دانستن تقلید از ائمه اربعه و اعتقاد به انفتاح باب اجتهاد، خود را مجتهد مطلق دانست و حتی فتوا داد که تقلید از ائمه اربعه کفر و ارتداد است.^[5]

در کنار حرمت تقلید، فتاوی‌های شاذ دیگری از او صادر شد که تفرقه‌گرایی را در جهان امروز تشدید می‌کند. یکی از فتاوی‌های شاذ ابن تیمیه، جواز مقابله با غازان خان حاکم مغول مسلمان شده بود که با اندیشه سیاسی اهل سنت ناسازگار است؛ لیکن همین فتوا، مستمسک گروه‌های جهادی برای مقابله با حاکمان سرزمین‌های اسلامی و ترور مخالفان قرار گرفته است.^[6] به عبارت دیگر، نخستین فردی که مجوز جهاد علیه حاکم مسلمان را صادر کرد، ابن تیمیه است و امروزه جهادی‌ها با تمسک به فتوای جهادی ابن تیمیه، به قتل و کشتار مسلمانان روی می‌آورند.

در نتیجه در سی سال اخیر، گروه‌های متعددی از جنس‌های تکفیری در کشورهای اسلامی به وجود آمده‌اند که غالباً به یکی از سه جریان اصلی تکفیری وهابیت، سپاه صحابه و طالبان، و سلفیه

جهادي (القاعده) وابسته اند؛ در اين ميان مهم‌ترين گروه، سلفيه جهادي است که جهاد را واجب دانسته، و صدها گروه از جمله داعش، جبهه النصره و القاعده به آن متعلق است.

بدون شک پيدايش سلفيه جهادي را بايد در کتابي از سيد قطب به نام معالم في الطريق جستجو کرد؛ سيد قطب با نگارش اين کتاب در پي تبیین اين مسأله بود که زندگي در دوران جاهليت قرن بيستم (فرهنگ غرب)، که بدتر از جاهليت زمان پيامبر است، بايد از بين برود. اگر چه اين نظريه بي اشکال است ليکن فراز دوم از نظريه سيد قطب در اين کتاب مبني بر اينکه هر کس به اين جاهليت راضي باشد او هم کافر است و تمام شهرهاي اسلامي، شهرهاي جاهلي است، جهان اسلام را دچار تلاطم بي حد و حصر نمود زيرا هم [مسلمانان و شهرهاي آنها با حکم سيد قطب کافر شدند. لذا توصيف سيد قطب به پيروانش اين بود که به مانند پيامبر (ص) بايد از مکه جاهلي به مدينه النبي هجرت کنند و یک شهر اسلامي تشكيل دهند و سپس با جهاد، در تشكيل حکومت اسلامي بکوشند]. [7]

اين حکم اختلاف افکنانه موجبات جذب تعدادي از جوانان تندرو و افراطي اخوان المسلمین، به آراء و اندیشه هاي سيد قطب را فراهم کرد و اينچنين گروه‌هاي تکفيري متعددي در مصر و کشورهای عربي تأسيس شد.

حال با اين تفاسير و پس از ظهور بيداري اسلامي، به ویژه در اتفاقات سوریه، القاعده سوریه با عنوان جبهه النصره اعلام موجوديت کرد و ديگر پيروان القاعده را به کمک طلبيد. القاعده عراق نيز به رهبري ابوبکر البغدادي به سوریه رفت و در کنار جبهه النصره به جنگ عليه دولت سوریه پرداخت.

در اين زمان گروه تکفيري داعش مهم‌ترين هدفش تشكيل حکومت در عراق و شام بود که شيعيان عراق و شام را مهمترين مخالف خود دانسته و با دولت سوریه و عراق در جنگ است. [8]

بي ترديد حضور نظامي آمريکا در منطقه مهم‌ترين عامل در قدرت يا بي جريان‌هاي تکفيري، در یک دهه اخير است. زيرا بر اساس تفکر سيد قطب، که همه مشکلات را در جاهليت قرن بيستم جستجو مي کرد، يعني همان جاهلتي که در قرن بيستم به غير از فرهنگ غرب و دموکراسي و اومانيسم ارمغان ديگري نداشت. [9] لذا با اين اوصاف، حضور مداخله جويانه آمريکا، زمينه را براي شعله ور شدن آتش فرقه گرايي و تشديد جنايات جريانات تکفيري عليه مسلمانان در پوشش جنگ و جهاد عليه نيروهاي عربي و متحدان آمريکا افزايش داده است، لذا در نگاه القاعده، آل سعود هم مثل بقيه حاکمان اسلامي، کافر است و فرقي ميان آل سعود و ديگر حکومت‌ها نيست. [10]

بدین ترتیب نفوذ فرهنگ عربي موجبات احیاء و بازسازی اندیشه سياسي اهل سنت در جهان اسلام را

فراهم کرده است که منجر به ظهور تفکر سلفی مصر شده است، که در نهایت با کمک پول‌های عربستان و سیاست‌های مهار سوسیالیسم از سوی آمریکا، به تفکر سلفی وهابی نزدیک شد، اما از دل جریان سلفی اصلاحی اخوان المسلمین، جریان سلفیه جهادی بیرون آمد که به علت پذیرش یا سکوت در مقابل جاهلیت قرن بیستم، حکم به کفر و ارتداد تمام مسلمانان داد و البته این جریان پس از یازدهم سپتامبر 2001 و حمله آمریکا به افغانستان و عراق جایگاه مردمی خود را تقویت کرد و جوانان بسیاری از سراسر جهان به این تفکر روی آوردند و به القاعده و سپس داعش پیوستند.

از سوی دیگر حضور آمریکا در عراق موجبات سوء استفاده برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از تکفیری‌ها را فراهم کرد و فضا را به سمت جنگ شیعه و سنی سوق داد و داعش را به جنگ با شیعه ترغیب نمود.

جریانات تکفیری؛ ابزار کلیدی غرب در اسلام‌هراسی

مفهوم اسلام‌هراسی

در وهله نخست باید گفت اسلام‌هراسی [11] مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری [12] و تبعیض [13] غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد. [14] سابقاً این اصطلاح به دهه 1980 م. بازمی‌گردد، اما پس از 11 سپتامبر سال 2001 م. مورد استفاده وسیع قرار گرفت. مؤسس رانیمد تراست [15] انگلستان، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در سال 1997 م. اسلام‌ترسی را به عنوان «ترس و نفرت از اسلام؛ و بنابراین ترس و نفرت از تمامی مسلمانان» تعریف کرد و همچنین ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد (exclusion) مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد.

اسلام‌هراسی مهمترین هویت غربی با ابزار جریانات تکفیری

از آنجا که نظام سرمایه‌داری، تنها رقیب خود را «اسلام» می‌داند لذا برای منفی جلوه دادن چهره مسلمانان، جریانات تکفیری را که با خشونت و ترور قرین‌اند، به عنوان هویت مسلمانان جلوه می‌دهد و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای قوی، سعی می‌کند از تمایل شدید جوانان و جوامع اروپایی و آمریکایی به اسلام جلوگیری کند، زیرا غرب برای اینکه هژمونی گفتمانی خود را پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی حفظ کند، به یک غیر نیاز داشت که همانا «اسلام» بود [16]، از این رو اسلام‌هراسی به ابزاری مهم در تثبیت و تقویت هویت غربی بدل شد، لذا پس از آنکه نتوانستند با موج فزاینده تمایل به اسلام در اروپا و آمریکا مقابله کنند تلاش کردند با نشان دادن چهره ای خشن از اسلام، جوانان و

مردم اروپا و آمریکا را از اصل اسلام بترسانند و بگیرانند و جوامع مادی و مسیحی خود را از موج اسلام خواهی مضمون بدارند و اسلام هراسی و اسلام ستیزی را با اسلام اصیل جایگزین کنند.

در این میان تصویری که جریان های تکفیری در اختیار رسانه های غربی قرار می دهند، چهره خشونت آمیز و متصلب از اسلام رحمانی است، و مردم دنیا را از اسلام ناب دور می کند.

لذا سهم غرب در اسلام هراسی و در پی آن، اسلام ستیزی را هرگز نمی توان نادیده گرفت؛ پس از حوادث یازده سپتامبر، غربی ها طرح اسلام هراسی را بر طبق خواسته «برنارد لویس» [17]، [18] به وجود آوردند. آنان مدل های افراطی را در پهنه جغرافیای اسلامی، به منظور زشت نشان دادن چهره های اسلام، حمایت کردند تا به نظریه جاذبه اسلام، که دیگر غربیان، از آن سخن می گفتند، خاتمه دهند. به گفته ادوارد سعید، نگاه استثناگرایانه غرب و یا همان غیریت سازی، موجب شده است که برای معرفی غرب خوب، اسلام و یا مسلمانان بد، ملاک قرار گیرند. [19]

و یا از دیدگاه الیویه روآ، محقق فرانسوی حوزه ای جنبش های اسلامی، دین داری خالص اسلامی همواره در فرهنگ ملی یا محلی ریشه دارد و این نوع دین داری ریشه ای پدیده ای تروریسم نیست. در واقع شاخه ای رادیکال اسلام گرایي محصول چیزی است که آن را «سرزمین زدایی از اسلام» می نامد. یعنی آحاد جوانان مسلمان ریشه های فرهنگی خود را از دست داده و در جامعه ای کشورهای غیراسلامی رها شده اند. این مسئله روشن می کند که چرا سرمنشأ بسیاری از اسلام گرایان رادیکال، غرب است و نه منطقه ای غرب آسیا. [20]

لذا اسلام گرایي افراطی داعش اساساً محصول مدرنیته و جهانی شدن است که البته در صحنه ای میدانی نیز به جهت هم راستایی با منافع راهبردی غرب، نظام سلطه از آن حمایت می کند.

از سوی دیگر باید گفت غرب که با رشد سریع اسلام در جهان روبه روست، امروزه به شدت بر پروژ اسلام علیه اسلام تأکید می ورزد و با حمایت از گروه های افراطی و دامن زدن به اختلافات مذهبی، قدرت و قوت مسلمین را تضعیف میکند و از طرف دیگر، چهره های مشوه از مسلمین در برابر جهانیان ترسیم مینماید.

اسلام هراسان؛ تکفیریون؛ دو روی یک سکه

باید تأکید کرد خدمات متقابل اسلام هراسان و تکفیریون؛ [21] در راستای نشان دادن چهره های خشن و غیرانسانی و پرخاشگر از اسلام، که از دیرباز جزو تئوری و نقشه های راه کشورهای استعمارگر بوده است.

اینگونه است که در پیوند با نوع ارتباط داعش با رژیم اسرائیل و قدرت‌های غربی، «ادوارد اسنودن»، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا اعلام کرد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور»، گروه داعش را تشکیل دادند. [22]

در سال‌های اخیر استفاده از جریان‌های تکفیری در جهت اسلام‌هراسی و مقابله با گسترش اسلام در غرب به عنوان مهمترین پروژه قدرت‌های بین‌المللی با استفاده از ابزار رسانه مورد توجه قرار گرفته است تا زمینه‌گرایی به اسلام در جهان معاصر کاهش یابد. که آخرین تجربه نیز مربوط به حمایت قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جریان‌های تکفیری در سوریه و عراق است که برای تضعیف محور مقاومت در منطقه (ایران-عراق-سوریه-حزب الله و حماس) از این جریان حمایت می‌کنند.

در این زمینه مقام معظم رهبری، ایجاد اسلام‌هراسی در جهان و نشان دادن چهره‌های زشت از اسلام را یکی از مصادیق تهدید نرم جریان‌های تکفیری بر شمرده و در این خصوص فرمودند: «جنگ گروهی مسلمان با گروهی دیگر... هم مسلمان‌ها را به جان هم می‌اندازند، هم با بزرگ‌نمایی دستگاہ‌های تبلیغاتی دشمن، اسلام را در چشم افکار عمومی دنیا زشت جلوه می‌دهند؛ وقتی تلویزیون‌ها يك آدمی را نشان می‌دهند که به نام اسلام، جگر يك انسانی را دارد می‌خورد و می‌خورد، درباره اسلام چه فکر می‌کنند؟ دشمنان اسلام برنامه‌ریزی کردند». [23]

در عصر حاضر نیز، جریان‌های تکفیری در گوشه و کنار جهان اسلام جنایت‌هایی را رقم می‌زنند که نمونه آن را در تاریخ اسلام، کمتر می‌توان دید. سربریدن، آتش زدن، مثله کردن، تجاوز به نوامیس، نابودی اموال و تخریب بناهای مقدس، گوشه‌هایی از جنایاتی است که آنان به نام اسلام مرتکب می‌شوند.

این جنبش‌های خشونت‌گرا، مثل داعش، جبهه النصره و القاعده... اسلام‌هراسی را تغذیه کرده و تشدید این تراژدی را در غرب رقم زده است.

بنابراین سیاست‌های اسلام‌هراسی و محکوم کردن مسلمانان به عنوان تروریست، نتیجه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی تکفیری است که این بهانه را در اختیار آمریکا قرار داد و ایالات متحده نیز با توجه به توان نظامی و رسانه‌های خود، از این ابزار برای رسیدن به منافع بهره کافی برد.

بدین ترتیب مجموعه جنایات گروه‌های تکفیری موجب تغییر چهره اسلام و مسلمین در نزد جهان‌نیان شده

است؛ به نحوی که تا چند سال پیش و قبل از بالا گرفتن غوغای تکفیربها چهره اسلام و مسلمان برای يك اروپایی و آمریکایی چهره آرام و مودب و متین يك زن یا مرد مسلمان با لباس و حجاب مناسب و تمیز و سفید بود که با قرآنی در دست و لبخند زنان و آراسته و با وقار مردم اروپا و آمریکا را با علم و استفاده از عقل و خرد به قرآن و اسلام و عدالت اسلامی دعوت مید کرد، ولی اکنون چهره يك مسلمان فردی خشن و نارنجك بر کمر بسته و تفنگ در دست با محاسنی انبوه و چهرههای خشن و نامرتب و صورتی بسته و لباسی سیاه و هم آور بر تن که فریاد مد زند و مد کشد و آتش مد زند و قلبی خونین در دست دارد به جهانیان معرفی میشود حال با این تفاسیر چه آینده ای از اسلام در ذهن كودك و نوجوان اروپایی و آمریکایی به جا خواهد ماند؟

حال با وجود دشمنان مشترك امت اسلامي همچون آمریکا و اسرائیل و گسترش موج اسلام ستیزی و اسلام هراسی در غرب، ضرورت تقویت همگرایی و تقریب ملل مسلمان بیش از پیش نمایان می شود، به ویژه آنکه بدانیم همه گروههایی که برای ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف مسلمین اصرار می ورزند و با سلاح تکفیر به آتش فتنه و تفرقه در میان مسلمانان دامن می زنند به صورت مستقیم در موفقیت معاندان اسلام در ایجاد اسلام هراسی شریک هستند. بلکه طرح اساسی غرب برای ایجاد حس اسلام هراسی استفاده از روش هویت علیه هویت بوده است یعنی راه اندازی گروه هایی که به ظاهر هم مسلک با مسلمانان هستند تا توسط آنان ریشه اسلام را بزنند و گروه های تکفیری دقیقاً ابزار دست غرب برای ترویج پدیده اسلام هراسی هستند.

صیانت از امنیت جهان اسلام در گرو سرکوب جریانات تکفیری

گفتنی است به موازات اسلام گرایی، اقلیت های قومی و مذهبی در خاورمیانه دیگر حاضر به تمکین در برابر رژیم های اقتدارگرا نشدند و شیعیان، مسیحیان، قبطی ها، کردها، بربرها و دیگر اقلیتها در برابر فرایند یکسان سازی رژیم های اقتدارگرا و موروثی یا پاتریمونیال [24] مقاومت کردند.

این وضعیت از یک سو ابزاری برای اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» در اختیار غرب قرار داد و از سوی دیگر منبعی برای بی ثباتی سیاسی و اجتماعی در کشورهای منطقه شد. [25]

شکی نیست که صلح و دوستی، زیباترین واژههایی است که دل هر انسان آزادهای را جذب خود میکند و به روح و روان او طراوت وصف ناپذیری میدهد؛ اما جریان تکفیری «وها بیت» و گروههای کوچک دیگر، از جمله کسانی هستند که پایههای صلح و امنیت جامع اسلامی و بلکه امنیت جهانی را متزلزل کردهاند و هر روزه تعدادی از مسلمانان بدگناه را با حربه تکفیر میدکشند.

لذا جریان های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشورهای اسلامی را متزلزل ساخته و

ثبات و آرامش يك خانواده^{۱۱}ی مسلمان را به هم ریخته است. به گونه^{۱۲}ای که فرزند، پدر را تکفیر مد^{۱۳}کند و برادر، برادرش را بدلیل اینکه پلیس یا سرباز است، مد^{۱۴}کشد. زیرا او در نظرش از طاغوت است و قتلش طبق عقیده^{۱۵}ی آن^{۱۶}ها حلال و باعث نزدیکی به خداوند است.

در این بین مشارکت جریان^{۱۷}های تکفیری همچون داعش با افسران و بازماندگان حزب بعث عراق و نیز خاندان صدام در مبارزه با دولت عراق و هم^{۱۸}چنین همکاری مخالفان دولت بشار اسد با سلف^{۱۹}های، همچون داعش، القاعده و گروه تکفیری النصره در جبهه سوریه و درکنار آن همکاری مستقیم این جریان^{۲۰}ها با برخی کشورهای غربی و منطقه، ناامنی و رعب و وحشت را به ارمغان آورده است.

هم چنین فرو افتادن سوریه در بی ثباتی و منازعات داخلی که از ویژگی های فرقه ای نیز برخوردار شده است، به القاعده فرصت داده که نیروهای خود را از کشورهای مختلف از جمله افغانستان، پاکستان، کشورهای عربی مانند عراق، عربستان سعودی و شمال آفریقا به خصوص تونس و لیبی به سوریه منتقل کند. با گذر زمان بحران سوریه به بکی از پیچیده ترین چالش های سیاسی و امنیتی برای منطقه و امنیت بین الملل تبدیل شد. شعارها در سوریه عمدتاً طایفه ای، فرقه ای و حتی مستهجن طرح شده اند و بدون تردید شعارهای گروه های مسلح در حمایت از آمریکا، ترکیه و قطر و نیز بر ضد سیاست خارجی دولت سوریه را باید آدرسی از منابع و سرچشمه های این جریانات به حساب آورد. [26]

از این روگروه های تروریستی تکفیری بزرگ^{۲۱}ترین خطری است که امروز از يك طرف امنیت^{۲۲} و آرامش جامعه اسلامی و از طرف دیگر آبروی اسلام و مسلمان را در نزد جهان نیان تهدید مد^{۲۳}کند. بلکه در کشورهای اسلامی امنیت^{۲۴}، آسایش و مهربانی، جای خود را به خشونت، افراط، انفجار و انتحار داده است.

حال آنکه بر خلاف اعمال گروه^{۲۵}های تکفیری^{۲۶}، با استناد به کتاب و سنت می توان دریافت که خشونت و افراطگرایی در فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد و اسلام برای آسایش و امنیت^{۲۷} افراد، اهتمام و توجه ویژه^{۲۸}ای دارد. [27]

در تبیین این مسأله مهم باید به تاریخ اسلام نیز مراجعه کرد، به عنوان نمونه کسانی که از نظر اندیشه، امام علی (ع) را تکفیر کردند در جامعه اسلامی با امنیت^{۲۹} زیستند و آنان همان خوارج بودند که حضرت به دلیل این مسئله با آنان به پیکار برخاست، بلکه نبرد حضرت با آنان پس از اختلال در امنیت^{۳۰}، راهزنی و ارتکاب قتل وحشیانه صورت پذیرفت.

بنابراین جریان^{۳۱}های تکفیری^{۳۲} در برانگیختن جنگ^{۳۳}ها و تعصبات مذهبی و طایفه^{۳۴}ای میان بخش^{۳۵}های مختلف جامعه اسلامی، از بین بردن انسجام داخلی و اجتماعی میان بخش^{۳۶}های جامعه اسلامی، نابودی امنیت^{۳۷}

داخلی و ثبات سیاسی و اجتماعی... امت اسلامی را برای تخریب و نابودی این امت و این دین سوق می دهند و از آنجا که اسلام دین کرامت و عدالت و خواهان امنیت^۱ برای جامعه اسلامی و دیگر جوامع بشری است لذا گروه^۲های تکفیری^۳ که راه جمود و تجر و افراطگرایی را در پیش گرفته^۴اند، نمی^۵توانند ترورها و رفتارهای خشونت^۶آمیز خود را در کشتن دیگران و ایجاد رعب و وحشت را مستند به جهاد اسلامی نمایند.

حال آنکه امنیت^۷ فراگیر و همه^۸جانبه، یکی از بنیادین^۹ترین عناصر پیشرفت است. تا امنیت^{۱۰} به وجود نیاید و رفتارها بر اساس پایه^{۱۱}های عقلانی استوار نگردد و خشونت از جامعه دور نشود، نمی^{۱۲}توان به پیشروی و حرکت جامعه^{۱۳}های به سوی نقطه مطلوب امید داشت. این امر در کشورهای اسلامی، متأسفانه در نیم قرن اخیر، به ویژه در دو دهه اخیر، با چالشی جدی روبه^{۱۴}رو شده است. گروه^{۱۵}های تکفیری^{۱۶} به نام دین و به پندار خود، برای انجام دادن واجب دینی جهاد، به ناامنی در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی روی آورده، خشونت^{۱۷}های بسیاری آفریده^{۱۸}اند. در برخی از کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهای که رفتارها و اعمال خشونت^{۱۹}آمیز سلفی و تکفیری^{۲۰} بوده^{۲۱}اند، قتل^{۲۲}ها و کشتارهایی که گاه به سادگی انجام می^{۲۳}شود، تصویر و تصور امنیت را از این کشورها برداشته است؛ امری که زمین^{۲۴}ها و بسترهای عقب^{۲۵}ماندگی را در این کشورها فراهم کرده است.

جریان^{۲۶}های تکفیری^{۲۷} امروزه در قالب گروه^{۲۸}هایی هم چون داعش و النصره، ثبات منطقه^{۲۹}های و به خصوص امنیت^{۳۰} مردم در سوریه و عراق را با تهدید جدی روبه^{۳۱}رو کرده^{۳۲}اند، اما با توجه به اقداماتی که گروه^{۳۳}های تکفیری^{۳۴} در منطقه انجام داده^{۳۵}اند و با عنایت به سابقه عملکرد گذشته آن^{۳۶}ها در تهدید صلح و امنیت^{۳۷} جهانی، و ضعف مفرط سازمان ملل و شورای امنیت در مقابله با گروه های تکفیری، ضرورت مقابله و سرکوب کامل جریان های تکفیری توسط جمهوری اسلامی ایران و متحدین استراتژیک او در منطقه باید از روش^{۳۸}های مختلف از جمله جنگ نیابتی و ارسال تجهیزات به گروه^{۳۹}های اسلامی (حزب الله لبنان، شیعیان عراق و گروه^{۴۰}های اسلامی سنی معتدل) صورت پذیرد، زیرا در صورت سرکوب این گروه^{۴۱}ها تا حدود زیادی از جرئت و توان آن^{۴۲}ها در منطقه کاسته خواهد شد.

مقابله با جریانات تکفیری؛ راهکار بنیادین در نفي قطبي سازي جوامع اسلامي

لازم به ذکر است رشد جریان^{۴۳}های تکفیری و عدم مقابله موثر با آن، فرآیند^{۴۴} اسلام^{۴۵}گرایی را با چالش کلیدی قطبی سازی جوامع اسلامی تضعیف کرده و با تفرقه گرایی و تقابل میان شیعه و سنی مواجه خواهد کرد.

یعنی همان رویکردی که از سوی گروه^{۴۶}های تروریستی النصره، داعش و القاعده در سوریه و عراق در

حال وقوع است که علاوه بر به وجود آوردن بحران در سوریه و عراق، به دنبال دو قطبی کردن جهان اسلام در قالب تقابل شیعه و سنی هستند که در صورت وقوع این امر، روند اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام با یک چالش جدی مواجه خواهد شد.

مفهوم اسلام‌گرایی

در دنیای معاصر با قرائت‌های متعددی از اسلام نظیر اسلام سنتی، اسلام‌گرایی، حرکت اسلامی، بنیادگرایی اسلامی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم اسلامی و اسلام سیاسی روبه‌رو هستیم که حاکی از برداشت‌های مخالف و وجود گروه‌های متفاوت اسلام‌گرا در جوامع اسلامی است.^[28] براساس نظریه‌ای گفتمان، اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد، به عبارتی، در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنا بر این اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظام یافته است.^[29] یکی از مهم‌ترین کسانی که این مفهوم را در شکل عام آن استخدام کرده، «جان اسپوزیتو» است. وی در این خصوص می‌گوید: اسلام سیاسی عبارت است از: «احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی».^[30]

به عبارتی، اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی معتبر جدید برای تغییرات مثبت تعریف می‌گردد و «اسلام، راه حل است» شعار اصلی آن است. در این دیدگاه، مسلمانان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادت می‌نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانند. این شعار بیشتر در کشورهای شنیده می‌شود که اسلام‌گرایان در براندازی رژیم‌هایی خود مشارکت دارند؛ هم‌چنین در کشورهایی که گروه‌های اسلامی قادر بوده‌اند به توسعه اهداف خود از طریق مشارکت در داخل سیستم سیاسی موجود [نمونه آرمانی آن جمهوری اسلامی ایران] پردازند.^[31]

جریان اسلام‌گرایی به رهبری اندیشمندان و عمل‌گرایان مسلمان در دوران معاصر به ویژه پس از فروپاشی نظام دو قطبی از جمله محورهای چالش برانگیز، در دستور کار نظم نوین جهانی بوده است. اسلام‌گرایی در وجوه مختلف ایدئولوژیکی، فرهنگی و امنیتی راهبرد مرکزیت سیستم سرمایه داری لیبرال غربی را به چالش کشیده و دعوی نظم نوین برای اداره جهان و ترسیم آینده روابط بین‌الملل در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی و نیز حل عادلانه منازعات و اختلافات دارد. سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، سید محمد رشید رضا، عبدالرحمن کواکبی، حسن البنا، ابوالعلی مودودی، ابولحسن ندوی، سید قطب، و امام خمینی از جمله رهبران اسلام‌گرای دوران معاصر بوده‌اند.^[32]

صیانت از وحدت امت اسلامی در پرتو مقابله با فطیبه سازی جریان‌های تکفیری

باید اذعان نمود رشد جریان‌های سلفی- تکفیری با حمایت دولت‌هایی مانند عربستان سعودی و قطر در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه، در حال حاضر به منازعه‌ای مذهبی در قالب تقابل شیعه- سنی انجامیده، که در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان به دست گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق عینیت یافته است. به نحوی که طیف معتدل سلفی‌گرای شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامند که احیاناً «جوامع سنی در معرض تهدید و هجمه آن‌ها قرار می‌گیرند، اما طیف افراطی سلفیون، بی‌و‌اهمه، تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند. [33]

تحلیل گفتمان زرقاوی و یا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه [۱] از نظریه پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره به عنوان یک نظام نشانه‌شناسی اثبات می‌سازد که: «شیعه نه تنها از مارقین و خارجین از امت است، بلکه متعلق به دین خود ساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است». این تصویرسازی ضد ایرانی ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، همه روزه در عراق، سوریه... در حال به روز شدن است. به ویژه پس از سال 2003 که از نظر سلفی‌ها، عراقی از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است. [34]

از سوی دیگر اهداف ایران بعد از انقلاب 1979 م. بر محور صدور انقلاب، موجب نگرانی کشورهای منطقه و به خصوص پادشاهی عربستان سعودی شد. زیرا هرگونه صعود و پیشرفت نهاد انقلابی ایران در منطقه می‌توانست پادشاهی‌های دولت‌های خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی را به خطر بیندازد. از دیدگاه عربستان، ایران همیشه در این رویا بوده که رهبر معنوی جهان اسلام باشد. در همین راستا ما شاهد یک حمایت قوی و واضح عربستان سعودی از اعتراض‌کنندگان سنی در منازعات سوریه، لیبی و یمن [35] و همچنین جریان‌های تکفیری در بحران‌های اخیر سوریه و عراق علیه شیعیان هستیم.

در واقع، رهبران عربستان سعودی و قطر باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم سنی در سوریه و عراق می‌تواند، قدرت شیعیان منطقه را که به ایران نزدیک هستند محدود و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه‌ای آن‌ها را در مقابل ایران که در دهه‌های گذشته از افزایش قابل توجهی در منطقه برخوردار شده است، افزایش دهد. در واقع برای دولت‌های عربستان سعودی و قطر شورش‌های اخیر فرصتی به منظور خارج نمودن سوریه و عراق از صف متحدین ایران و در نقطه مقابل افزایش نقش منطقه‌ای آن‌ها در شمارش مدیترانه برای تغییر موازنه به نفع خود و به ضرر ایران، است. [36]

در همین راستا عربستان سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی- تکفیری از

جمله داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، النصره و... نموده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی خونین در منطقه به وجود آورد و در نتیجه، اسلام‌گرایی در جهان اسلام را با چالشی اساسی و مواجه نماید. به عبارتی، درگیری میان گروه‌های مختلف در جهان اسلام و منطقه (به خصوص میان گروه‌های تکفیری و شیعه) که متأثر از تحریک عربستان سعودی و قطر است، تا حدود زیادی به رشد اسلام‌گرایی ضربه خواهد زد، زیرا در نهایت به جای این که گروه‌های اسلام‌گرا بتوانند به یک اتحاد منسجم در راستای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام برسند، در یک منازعه طولانی فرو خواهند رفت. هم‌چنین به جای این که اسلام‌گرایی، به عنوان الگو و جانشین موفقی در مقابل الگوی لیبرال دموکراسی مطرح باشد، به دلیل منازعات مذهبی خود به چالش تبدیل خواهد شد.

بنابراین تشدید مبارزه فکری و فرهنگی و نظامی علیه جریان‌های تکفیری در جهان اسلام و نیز موضع‌گیری علمای مذاهب اسلامی و مدیریت رویکرد جهان اسلامی در اتخاذ مواضع خارج از تفسیر دو قطبی شیعه و سنی، می‌تواند وحدت روز افزون امت اسلامی را محقق سازد.

نتیجه

بی‌تردید برای تحقق وحدت اسلامی و رفع چالش‌های رشد جریان‌های تکفیری فراروی اسلام‌گرایی، باید از راهکار دیپلماتی ارتباطات گسترده میان گروه‌ها و کشورهای اسلامی و نقش‌سازنده نهاد تقریب مذاهب بهره گرفت؛ هم‌چنین مقابله نظامی با جریان‌های تکفیری، در واقع، زمینه‌ساز ارتباطات گسترده میان گروه‌ها و کشورهای اسلامی است که می‌تواند زمینه‌ساز هم‌گرایی دیدگاه‌ها و نظرات امت اسلامی، در قبال خطر جریان‌های تکفیری را فراهم نماید.

در همین راستا، کاربرد نهاد تقریب مذاهب و کاهش اختلاف استراتژیک میان کشورهای اسلامی و سوق دادن توجهات به طرف منازعه اسرائیل و مسلمانان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از طرف دیگر، سرکوب فراگیر گروه‌های تروریستی تکفیری از روش‌های مختلف، می‌تواند تا حدود زیادی از گسترش فعالیت این گروه‌ها در منطقه و جهان اسلام جلوگیری کند.

بنابراین پیوند مبارزات علمی و نظامی از سوی امت اسلامی در راستای نابودی جریان‌های تکفیری، بستر ساز اتحاد امت اسلامی و نفی اسلام‌هراسی و بسط و گسترش اسلام نبوی خواهد بود.

هم‌چنین اهتمام و موفقیت ملت‌ها و دولت‌های مسلمان در نابودی کامل گروه‌های تروریستی تکفیری، نعمت‌ذی‌قیمت امنیت و آرامش را در سراسر گیتی به ویژه کشورهای اسلامی به ارمغان خواهد آورد که حصول این مهم از جمله آثار و برکات جلوگیری از دو قطبی‌سازی و اختلاف افکنی میان شیعه و سنی است، و

موج عظیم اسلام گرایي را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد.

کتابنامه

1. رمضان البوطي، محمد سعيد، سلفیه بدعت یا مذهب: نقدي بر مباني وهابيت، تقریظ: واعظ زاده خراساني، ترجمه: حسين صابري، چاپ چهارم، بنياد پژوهش‌هاي آستان قدس رضوي، مشهد 1389 ش.
2. رشيد رضا، محمد؛ الخلافة او الامامة العظمي، دراسه و تقديم وجيه كوثراني، بيروت، دار الطلبة، بي تا.
3. عبدالسلام فرج، محمد، الفريضة الغائبه، مصر (بي نا، بي‌جا، بي‌تا).
4. ابواللوز، عبدالحكيم، الحركات السلفيه في المغرب، مركز دراسات الوحدة العربيه، مغرب 2009 م.
5. ابن تيميه، مجموعه فتاوي، مصر، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م.
6. مسجد جامعي، محمد، زمينه‌هاي سياسي حكومت اسلامي در تشيع و تسنن، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب 1387 ش.
7. مصطفى مصطفي، حمزه، «جبهه النصره لاهل الشام من التأسيس الي الانقسام»، مجله دراسات السياسيه، مركز العربي للابحاث و دراسات السياسات، ش 5، نوامبر 2013 م.
8. معالم في الطريق، مكتبة وهبة، 1964 م / 1384 هـ.ق.
9. جمعي از محققان، عقيدة الطاعة و تبديع المختلف السلفية الجامية؛ (بي نا، بي‌جا، بي‌تا).
10. سعيد، ادوارد ، شرق‌شناسي، ترجمه‌ي خنجي لطفی، تهران، امیرکبیر، 1394 ش.
11. سعيد، ادوارد ، شرق شناسي، ترجمه عبدالرحيم گواهي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي. 1395 ش.

12. نصر اصفهانی، ابذر، کتاب شناسی تکفیر، 1جلد، دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (عليهم السلام) - قم - ایران، چاپ: 1، 1393 ه.ش.
13. یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تاکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش3، بهار و تابستان.
14. جمشیدی راد، محمد صادق و محمود پناهی، سید محمد رضا، «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره 5، زمستان 1391.
15. سعید، بابی، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام گرایي، ترجمه ی غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران، 1379.
16. اسپوزیتو، جان ، جنبش های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه ی شجاع احمدوند، نشر نی، تهران 1389.
- 17 سیدنژاد، سید باقر، «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، مسلسل 47، بهار 1389.
- 18 Fredman, S. (۲۰۰۲). Discrimination Law. Oxford: Oxford University Press .۲۰۰۲
- 19 Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press.
- 20 Fuller, Graham (2006-2007), "The Hizballah-Iran Connection: Model for Sunni Resistance?", The Washington Quarterly, Vol. 30, No. 1..
- 21 Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith (ed) SSues in wondei.
- 22 . the Saudi American Relations", report of Al Jazeera Center for Studies.

23 .Hassan,Hassan (2013) "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists",in:
The Regional Struggle for Syria, edited by Julien Barnes-Dacey as 9 Daniel Levy, The
European Council on Foreign Relations.

[\[1\]](#)ر.ك:محمد سعيد رمضان البوطي، سلفيه: بدعت يا مذهب، ص 248 به بعد.

[\[2\]](#)ر.ك: سيد محمد رشيد رضا، الخلافة و الامامة العظمي، تمام كتاب.

[\[3\]](#)ر.ك:محمد عبدالسلام فرج، الفريضة الغائبه، تمام كتاب.

[\[4\]](#)ر.ك:عبدالحكيم ابواللوز، الحركات السلفيه في المغرب، ص 113.

[\[5\]](#)ابن تيميه، مجموع فتاوي ابن تيميه، ج4، ص 124.

[\[6\]](#)ر.ك:محمدعبدالسلام فرج، الفريضة الغائبه، ص 21. در اين كتاب با استناد به فتاوي ابن تيميه، جنگ عليه تمام
حاکمان اسلامي، نه تنها مجاز، بلکه واجب دانسته شده است.

[\[7\]](#)ر.ك:محمد مسجد جامعي، زمينههاي سياسي حكومت اسلامي در تشيع و تسنن، ص 160-169.

[\[8\]](#)ر.ك: حمزه مصطفي مصطفي، «جيهه النصره لاهل الشام من التأسيس الي الانقسام»، مجله دراسات السياسية، مركز
العربي للابحاث و دراسات السياسات، ش 5، نوامبر 2013م.

[9] ر.ک: سيد قطب، معالم في الطريق، ص 143.

[10] ر.ک: جمعي از محققان، عقيدة الطاعة و تبديع المختلف السلفية الجامية كه به نقد تفكرات سلفيه جهادي درباره آل سعود پرداخته است. هم چنین نامه های ابولید مصري به محقق استرالیایی درباره القاعده و جواب ایشان درباره حاکمان عربستان و ایران در اینترنت.

Islamophobia. [11]

Prejudice. [12]

[13] Discrimination.

[14]. (Fredman,p121).

Ronneymede Trust. [15]

[16] سعید، ادوارد (۱۳۷۹)، شرق شناسی، ترجمه ی خنجی لطفی، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸.

Bernard Lewis. [17]

[18] مورخ 94 ساله یهودی انگلیسی امریکایی متخصص تاریخ خاورمیانه و نامدارترین کارشناس روابط بین اسلام و غرب.

[19] برای آشنایی با نظریه ادوارد سعید ر.ک: شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press, p.۲۵. [20]

[21] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 188.

[22] کافیلو، (1394)، بهار عربی یا بهار القاعده؟، سایت دیپلماسی

ایرانی (http://www.irdiplomacy.ir/fa/ir.irdiplomacy.ir/page/2/3/1394:1947912)

[23] بیانات مقام معظم رهبری: 29/10/1392.

[24] Patrimonial.

[25] (Fuller, 2006-2007: 140-141).

[26] یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تاکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این

کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش3، بهار و تابستان.

[27] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 107.

[28] جمشیدی راد و محمود پناهی، « مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، شماره 5، ص 128.

[29] بابی سعید، هراس بنیادین: اروپا مداري و ظهور اسلام گرایي، ص 20.

[30] اسپوزیتو، جنبشهای اسلامی معاصر، ص 22.

[31] Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith (ed) SSues in wondei.

[32] جمشیدی راد و محمود پناهی، همان، ص 129.

[33] سید نژاد، «سلفی گرایي در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، ص 109.

[34] همان، ص 108.

“The Saudi American Relations” report of .Al Jazeera Center for studies. [35]

Hassan Hassan, "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists“, in: The Regional struggle for Syria, edited by Julien Bames-Dacey and Daniel Levy, The European Council on Foreign [36]

